

در حقیقت مالک اصلی خداست

این امانت بحر روزی دست ماست

همه ما این بیت شعر را بارها و بارها بر پشت وسایل نقلیه، سر درب مغازه‌ها و ساختمان‌ها و ... دیده‌ایم. این شعر که بر پایه آیات قرآنی و احادیث متعدد رسیده از سوی معصومین علیهم السلام است، بیان‌کننده این حقیقت است که همه‌ی اموالی که در دست ماست به طور حقیقی متعلق به خداوند است و مالکیت ما بر اموال، مالکیتی اعتباری است، به این معنا که اگرچه مالکیت ما بر اموال محترم است و احکام شرعی نیز آن را محترم شمرده و به کسی حق تجاوز و تصاحب اموال دیگری را نداده است ولی اموال همچون عاریه‌ای است که خداوند به ما عطا کرده است و برای مدت محدودی اجازه استفاده از آن را در راهی که خودش مشخص کرده به ما داده است و هرگاه بخواهد از ما باز پس می‌گیرد.

اگرچه شاید این موضوع ساده به نظر برسد و همه‌ی ما این اصل را پذیرفته باشیم ولی اعتقاد قلبی به آن ثمرات عملی متعددی خواهد داشت که در ذیل به چند مورد آن اشاره می‌کنیم؛

- انفاق سهل و بی‌منت: خداوند در آیه ۲۳ سوره نور در مورد آزادی بردگان می‌فرماید: «... و آتوهم من مال الله الذی آتاکم...»؛ به بردگان (که قرار است آزاد شوند) از مال خداوند که به شما داده است بدهید. خداوند در این آیه برای اینکه این توهم برای مؤمنین پیش نیاید که چرا از اموالی که خود با زحمت و از راه حلال به دست آورده‌ایم به بردگان خود بدهیم، تصریح می‌کند که از اموال خداوند که به شما داده است به بردگان بدهید. لذاست که اگر اعتقاد واقعی به عاریه بودن اموال در دست ماست داشته باشیم، اولاً به راحتی و بدون هیچگونه احساس بخل و خساست انفاق می‌کنیم، ثانیاً بعد از انفاق هیچ متنی نخواهیم گذاشت.
 - حرص نزدن بر به دست آوردن مال و تأسف نخوردن بر از دست رفتن مال؛ اگر اعتقاد واقعی داشته باشیم که اموالی که به دست ما می‌رسد متعلق به خداست در این صورت برای به دست آوردن مال حرص نمی‌زنیم و از هر راهی استفاده نخواهیم کرد و برای از دست رفتن آن تأسف نمی‌خوریم.
 - صرف مال در راه مورد رضایت خدا؛ اگر بپذیریم که اموالی که در دست ماست، متعلق به خداوند است و در دست ما عاریتی است آنگاه همانند رعیتی که اموال ارباب در دست اوست، تنها اموال را در راهی که خداوند فرمان داده است صرف می‌کنیم و از صرف مال در راه غیرشرعی، اسراف و تبذیر و تفاخر و تکاثر که خداوند از آن نهی نموده است، خودداری می‌کنیم.
- این سه مورد ثمرات اولیه و کلی اعتقاد به اصل مالکیت حقیقی خداوند بر اموال و عاریتی بودن آن‌ها در دست ماست، هرچند ثمرات بسیار دیگری می‌توان از اعتقاد به این اصل به دست آورد ولی اگر به همین سه مورد نیز به دقت نگاه شود و به فقر و مشکلات فراوان و فسادهای اقتصادی که از حرص زدن برای به دست آوردن مال در جامعه ناشی شده است بنگریم، اهمیت بسیار زیاد اعتقاد به این اصل نمایان خواهد شد.